

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی- استرالیا
۰۳ اپریل ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

طالبان دیروز و امروز!؟



طالبان امروز بیشتر افراد بی روزگار و بی کار و باری اند که فقط به خاطر یافتن شغل و معاش حاضر به نوکری پاکستان و خونریزی و تخریب وطن شان گردیده اند. اکثریت آنها می دانند که به خاطر دین و عقیده شان نمی جنگند. این جنگ آنان خلاف افراد تحریک طالبان دیروز که اکثراً از مدارس دینی پاکستان فارغ گردیده بودند و در وینگ کماندوی اردوی پاکستان تعلیمات نظامی گرفته بودند، دارای تعلیمات دینی و نظامی منظم نیستند. اینها بیشتر به وسیله ارتباطی ها جذب می شوند و برای آماده سازی شان در میدان جنگ مراحل را طی نمی کنند لذا تلفات شان در میدان جنگ بیشتر است.

تحریک طالبان در گذشته به وسیله افراد اردوی سابقه افغانستان که بیشتر مربوط جناح خلق حزب دموکراتیک بودند و با آی اس آی و قوت های کماندوی پاکستان تمرینات مشترک دیده بودند، در میدان های نبرد رهبری می شدند و مهارت های خاص در سوق و اداره جزو تام ها، تشخیص وضع الجیش، استفاده از تاکتیک های مختلف جنگی از جمله جنگ روانی و تضعیف مورال دشمن توسط تبلیغات مؤثر و استفاده مؤثر از وسایل و وسایط جنگی داشتند. مؤثریت رسانه های حامی تحریک طالبان مانند بی بی سی، صدای امریکا و رادیو صدای المان و شماری دیگر الی رسیدن شان در ارگ ریاست جمهوری را نمی شد، انکار کرد. این رسانه ها امروز نیز در بالا دستی طالبان نقش بازی می کنند ولی قادر نیستند ناتوانی های جبهه ئی و ذهنیت های منفی را که به ضد این دزدان و مزدوران در بین اقشار مختلف مردم ایجاد گردیده است جبران کنند، از طرفی هم زمانی که تحریک طالبان پله های قدرت یابی را به سرعت طی نمودند، در کابل و ولایات کلیدی دیگر اداره و نظام جوابگو حاکم نبود و قوت های تحت امر تجربه جنگ جبهه ئی را چنانچه طالبان از آن برخوردار بودند، نداشتند.

من در زمان حاکمیت طالبان فکر کنم سال ۲۰۰۰ میلادی بود که به مدت یکماه در ولایت غزنی ماندم و پروگرام های ترینگ و تطبیق کمپاین واکسین پولیو را در آن ولایت به عهده داشتم. در روز افتتاح کمپاین از والی طالبان در غزنی خواستیم با انداختن دو قطره به دهن کودکی پروگرام را رسماً افتتاح نماید. البته او بدون پول حاضر نبود این کار را بکند ولی به هر حال او حاضر شد ولی از انداختن دو قطره امتناع کرد و گفت: "په شرع کی دوه نشته، یا دری قطری اچوم او یا یوه"، اصرار فایده نکرد و من قبول کردم که درست است یک قطره بچکان ولی طفلک را نشانی کردم و به همکارم گفتم او را تا بیرون همراهی کند و در بیرون از ولایت یک قطره دیگر به دهنش بیندازد.

بعد از افتتاح پروگرام خودم به طرف یکی از ولسوالی ها برای مونیتورنگ در حرکت شدم. درایور دفتر حیات الله خان که مدتی با من در سفر ها یکجا می بود، جوان شهزاده و خوش سیما و وطنی از ولایت وردک بود و ما با هم خیلی صمیمی شده بودیم. صبحانه وقتی پروگرام خود را برایش تشریح می کردم و می گفتم امروز به خیر فلان، فلان جا ها باید برویم، آماده هستی؟ در جواب می گفت: "داکتر صاحب که ته ماته وواپی چه د غره نه خان لاندی واچوه، زه به سمدستی دا کار کوم، دا خو ماته د خوشی خای دی چه تا سره یو خای وخت تیروم"، به هر حال ساعات دوازده و یا یک بجه روز بود و به سرک ولسوالی زنه خان در حرکت بودیم که انبوهی از مردم را در زیر شعاع آفتاب سوزان در کنار سرک دیدم، از حیات الله خان پرسیدم چه گپ است اینجا درین آفتاب سوزان چرا ایستاده اند. جواب داد منتظر بس ولسوالی هستند. موتر ما یک سیت در عقب و یک بدنه باز داشت، به حیات الله خان گفتم ما و شما در همان مسیر می رویم، خوب است هر قدر ازین ها را بتوانیم با خود ببریم ... او موتر را ایستاده کرد ولی برایم گفت داکتر صاحب خودت که بگوئی به پشت خود هم یکی شان را خواهیم برد ولی می ترسم در دفتر به مشکل مواجه نشویم، چون موتر UN است و تعداد مسلح هم در عقب نشسته اند. من که متوجه دو نفر طالب مسلح که در عقب بدنه موتر نشسته بودند، نشده بودم، از موتر پائین شدم و به عقب موتر رفتم و به افراد مسلح پس از سلام علیکی گفتم که من به خاطر آفتاب سوزان و مسافران زنانه و مو سفیدان یک کار خیر انجام می دهم و آنها را به طرف ولسوالی می برم ولی این موتر مربوط UN است و ما اجازه نداریم افراد مسلح را با خود حمل کنیم، نظر شما چیست همه پائین شوند و یا تنها شما منتظر موتر ولسوالی می مانید؟ آندو طالب با کمال ادب از موتر پائین شدند و گفتند، "ته خوشه کار مو کری، حی الله مو مل سه"،

این رفتار طالب دیروز را با جنایات امروز شان هرگز نمی شود مقایسه کرد....